

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرزا اطلاعات دارک سخی ییز
تسیدہ دارک

۱۳۵۴



دانشگاه کردستان

ادب عربی در عصر سامانی

بیان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

۱۳۸۲ / ۲ / ۳۰

استاد راهنما:

دکتر محمود ابراهیمی

استاد مشاور:

دکتر عباس اطمینانی

نگارش:

محمد شریف حسینی

۴۵۴۱

شهریور ۷۸



دانشگاه کردستان

ادب عربی در عصر سامانی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

توسط:

محمد شریف حسینی

تصویب و ارزشیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه.....

آقای دکتر..... استاد راهنما و رئیس کمیته (محل امضاء.....)

آقای دکتر..... (.....) مرتبه

آقای دکتر..... (.....) مرتبه

آقای..... (.....) مرتبه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کردستان

شهریور ۷۸

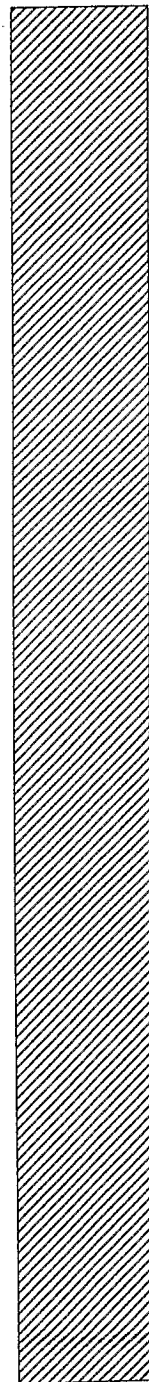
تقدیم به:

چشمه‌های جوشان محبت زندگیم،

پدر و مادر عزیزم،

آنانکه چون تُرنج زیبای عشق،

در فرش دلم تا ابد جای دارند.



تشکر و قدردانی از:

۱- جناب آقای دکتر ابراهیمی که نه تنها در حین نوشتن رساله مشوق و راهنمای اینجانب بوده‌اند، بلکه در تمام دوران تحصیل این دانشگاه همچون پدری دلسوز و مهربان، همگان را از خوان بی دریغ علم و دانش بهره‌مند ساختند، و مرارحین منت خود نمودند.

۲- جناب آقای دکتر اطمینانی که با ارشادات دلسوزانه و آگاهانه خود در ارائه هر چه بهتر کار تلاش نمودند.

۳- جناب آقایان دکتر خرم‌دل و دکتر جلالی‌زاده که در زیر سایه بزرگوار ایشان، افتخار فراگیری علم و دانش را داشته‌ام.

۴- کارمندان محترم کتابخانه مرکزی دانشگاه کردستان که نهایت همکاری را در طول تحصیل این دوره، با این حقیر داشته‌اند، و زحمات زیادی را متقبل شده‌اند.

« فهرست مطالب »

شماره صفحه	عنوان
۱	بخش اول / محیط سامانی.....
۲	۱- حیات سیاسی.....
۳	(۱-۱) ظهور و سقوط سامانیان:.....
۱۴	(۲-۱) قلمرو سامانیان:.....
۱۹	۲- حیات اجتماعی.....
۲۰	(۱-۲) طبقات جامعه سامانی:.....
۲۰	(۲-۱-۱) طبقه ثروتمند:.....
۲۴	(۲-۱-۲) طبقه متوسط:.....
۲۵	(۲-۱-۳) طبقه محروم:.....
۲۸	(۲-۲) بردگان و غلامان:.....
۳۳	(۳-۲) آداب و رسوم جامعه سامانی:.....
۳۹	۳- حیات فرهنگی.....
۴۰	(۱-۳) عوامل گسترش علوم:.....
۴۰	(۳-۱-۱) امیران و دولتمردان سامانی:.....
۴۴	(۳-۱-۲) وجود مراکز تعلیم:.....
۴۶	(۳-۱-۳) کتاب و کتابخانه‌ها:.....
۴۸	(۲-۳) علوم در سایه سامانیان:.....
۴۹	(۳-۲-۱) علوم عقلی (فلسفه، ریاضیات، طب):.....
۵۲	(۳-۲-۲) علوم شرعی (تفسیر، حدیث، فقه):.....
۵۵	(۳-۲-۳) علوم نقلی (تاریخ، جغرافیا، لغت):.....
۵۸	(۳-۳) زبان:.....

- ۵۸ (۱-۳-۳) زبان دیوان رسالت :
- ۶۰ (۲-۳-۳) زبان ادبی دربار :
- ۶۱ (۳-۳-۳) زبان علمی :
- ۶۳ بخش دوم / نثر
- ۶۴ ۱- نثر فنی در دوره سامانیان
- ۶۹ ۲- ویژگیهای نثر دوره سامانی
- ۷۰ (۱-۲) استفاده از سجع :
- ۷۴ (۲-۲) تضمین به اشعار امثال و آیات قرآن :
- ۷۷ (۳-۲) استفاده از صنایع بدیعی :
- ۸۰ (۴-۲) کاربرد موضوعات و مضامین شعری در نثر :
- ۸۴ (۵-۲) مقید نبودن به سبک خاصی در آغاز کتابت :
- ۸۶ (۶-۲) بکار بردن روش فکاهی و طنزی :
- ۸۸ ۳- انواع نثر ادبی
- ۸۹ (۱-۳) رسائل دیوانی و رسمی :
- ۹۰ (۲-۳) رسائل اخوانی :
- ۹۴ (۳-۳) مقامات :
- ۹۴ (۱-۳-۳) معنی لغوی مقامات :
- ۹۵ (۲-۳-۳) معنی اصطلاحی مقامات :
- ۹۶ (۳-۳-۳) واضح مقامات :
- ۹۸ (۴-۳-۳) بدیع الزمان همدانی و مقامات وی :
- ۱۰۹ بخش سوم / شعر
- ۱۱۰ ۱- شعر در دوره سامانی
- ۱۲۶ ۲- مضامین تقلیدی شعر سامانی
- ۱۳۰ (۱-۲) مدح :

- ۱۳۶ (۲-۲) غزل:
- ۱۳۹ (۳-۲) رثا:
- ۱۴۳ (۴-۲) هجاء:
- ۱۴۶ (۵-۲) خمریات:
- ۱۴۸ (۶-۲) شکوه:
- ۱۵۲ (۷-۲) فخر:
- ۱۵۴ ۳- تجدید و نوآوری در شعر سامانی
- ۱۵۵ (۱-۳) غلامبارگی و غزل مذکر:
- ۱۶۴ (۲-۳) هجای مستهجن:
- ۱۷۰ (۳-۳) وصف:
- ۱۷۰ (۱-۳-۳) وصف طبیعت:
- ۱۸۰ (۲-۳-۳) وصف پدیده‌های اجتماعی:
- ۱۸۴ (۴-۳) امثال و حکم:
- ۱۹۱ (۵-۳) بکار بردن صنایع بدیعی:
- ۱۹۷ ۴- شاعران عصر سامانی
- ۱۹۸ (۱-۴) ابوبکر خوارزمی:
- ۲۰۴ (۲-۴) ابوالفتح بستی:
- ۲۰۷ (۳-۴) ابومنصور ثعالبی:
- ۲۰۹ (۴-۴) بقیه شاعران ایندوره:
- ۲۱۴ مُلخص البحث باللغة العربية
- ۲۱۵ فهرست منابع و مأخذ:

مقدمه:

از بدو ورود اسلام به ایران، ایرانیان خدمات ارزنده‌ای را نسبت به همه علوم عقلی و نقلی انجام دادند، که خدمات در قرن چهارم به بالاترین اوج خود رسید، یکی از امارتهایی که در این قرن همواره مشوق فرهنگ و زبان عربی بود، و در توسعه نثر و نظم آن کوشید، سامانیان بودند. ادب عربی در خراسان و ماوراءالنهر در زمان حکومت دولتمردان سامانی، به بالاترین مرحله شکوفایی خویش رسید، تا جائیکه می‌توان برای هر شهر در این بلاد یک تحقیق ادبی مفصل را ارائه داد، "شوقی صنیف" لزوم تحقیق جامعی را درباره شهر نیشابور که از مراکز ادب پرور سامانیان است، مورد تأکید قرار داده: «نیسابور من بلدان الدولة السامانیة، و هی صالحه لأن تکتب فی شعرائها دراسة قيمة عن نشاط الشعربها، لا فی عهد السامانیین، بل ایضاً فی الحقب التالية»

صنیف

با وصف این تا آنجا که اطلاعات ناچیز اینجانب است، تا کنون در این زمینه، تحقیق جامعی ارائه نشده است. و یا اگر کاری انجام شده، کافی نیست، و این وظیفه‌ای است که برگردن ما ایرانیان نهاده شده است، زیرا که ما بهتر از بقیه می‌توانیم در شناساندن گوشه‌ها و جوانب اوضاع ادبی گذشته‌مان اقدام کنیم، بنا بر قول «اهل الدار أدری بما فی الدار».

از اوایل ترم دوم تحصیلی نسبت به موضوع ادبای خراسان علاقمند شدم، که با مراجعه به چند کتاب، مهمترین دوره ادب عربی در خراسان را «دوره سامانیان» یافتم، این موضوع را به استاد محترم، مدیر گروه زبان و ادبیات عرب، جناب آقای دکتر ابراهیمی پیشنهاد نمودم که با تشویق و ترغیب ایشان مواجه شد، لذا آنرا بعنوان موضوع رساله پایانامه کارشناسی ارشد عرضه نمودم، که خوشبختانه در شورای تحصیلات تکمیلی این موضوع با راهنمایی جناب آقای دکتر ابراهیمی و مشاوره جناب آقای دکتر اطمینانی مورد تصویب قرار گرفت.

پایان نامه

بدون شک برای شناخت ادبیات یک عصر، باید از تأثیرات محیط بر آن غافل نبود، و شناخت محیط هر دوره، کمک بزرگی را در شناخت ادب بما خواهد کرد، بدین منظور ما بخش اول را به محیط سامانیان اختصاص داده‌ایم، و در فصل اول آن به بررسی اوضاع سیاسی، از جمله چگونگی پیدایش سلسله پادشاهی سامانی، مدت زمامداری امیران آن، عوامل سقوط و محدوده قلمرو آنان، پرداخته‌ایم، و در فصل دوم که درباره اوضاع اجتماعی آن دیار است، وضعیت طبقات جامعه، بردگان و غلامان و آداب و رسوم این محیط را مورد بحث قرار دادیم،

و در فصل اوضاع فرهنگی از عوامل گسترش علوم و انواع شاخه‌های آن و نیز از زبان رسمی و ادبی سخن گفته‌ایم.

بخش دوم این رساله را به نثر اختصاص داده‌ایم، که در فصل اول، وضعیت کلی نثر فنی و حمایت امیران و وزیران از توسعه و رواج آن، و در فصل دوم این بخش ویژگیهای نثر مثل سجع، تضمین، کاربرد موضوعات شعری، عدم تقلید به آغاز کتابت، استفاده از روش فکاهی را مطرح نموده‌ایم، و در فصل آخر از انواع نثر ادبی و نویسندگان آنها به تفصیل سخن گفته‌ایم. در بخش سوم که به شعر اختصاص یافته، ابتدا وضعیت کلی شعر و حمایت و ترغیب دولتمردان سامانی از آن و سپس در فصل دوم مضامین تقلیدی چون مدح، غزل، رثا، هجا، خمر و فخر را بررسی کرده‌ایم، و در فصل سوم جلوه‌های تجدد و نوآوری چون رواج شعر غلامبارگی، هجای مستهجن، وصف، امثال و حکم، که در دوره‌های ادبی قبل نبوده و یا کم‌رنگ بوده، را آورده‌ایم، و در فصل پایانی این بخش ابتدا زندگی چند تن از شاعران بزرگ این دوره را شرح داده، و سپس بطور فهرست وار اسامی شاعران این دوره را که فقط در «یتیمه الدهر» آمده، ذکر نموده‌ایم.

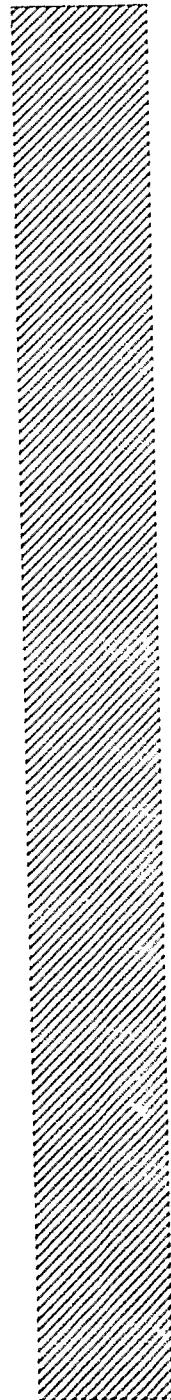
شایان ذکر است که علیرغم استفاده از کتابخانه مرکزی دانشگاه کردستان، دانشگاه تهران و کتابخانه شخصی جناب آقای دکتر ابراهیمی، با این وجود با کمبود منابع روبرو بودم و در نوشتن این رساله بیشتر از کتاب «یتیمه الدهر» استفاده کردم، زیرا که تنها کتابی است که اشعار شاعران قرن چهارم را در خود گنجانده، و اگر این کتاب بدست ما نرسیده بود، اطلاعات ما نسبت به ادب عربی در قرن چهارم، چه در ایران و چه در بقیه سرزمینهای اسلامی، ناقص بود، و هیچ کتابی جبران مافات را نمی‌کرد، «فرای» ایرانیان را به تفحص و تحقیق در مطالب ادبی ترغیب نموده: «خوب است کسانی که در جست و جوی روحیه ایرانی منحصرأ در میان ادبای خراسان می‌باشند، به این کتاب توجه کنند».

در اینجا لازم می‌دانم از زحمات پدیدریغ و ارشادهای دلسوزانه و آگاهانه استادان بزرگوار جناب آقای دکتر ابراهیمی و جناب آقای دکتر اطمینانی که چون ابری گهربار، باران فضل و دانش خود را نثار جویندگان معرفت کرده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

بخش اول:

محیط سامانی

- ۱- حیات سیاسی
- ۲- حیات اجتماعی
- ۳- حیات فرهنگی

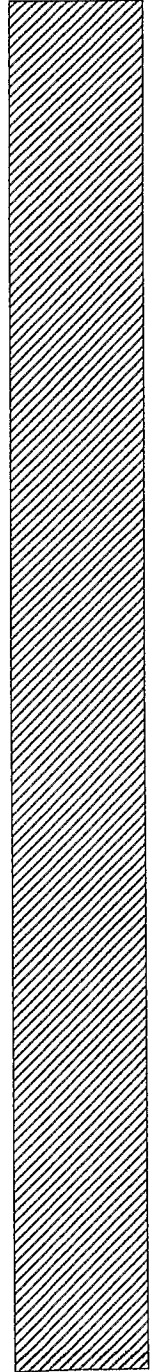


فصل اول:

حیات سیاسی

□ (۱-۱) ظهور و سقوط سامانیان

□ (۲-۱) قلمرو سامانیان



إِذَا تَمَّ شَيْءٌ بَدَأَتْهُ
تَوَقُّعُ زَوَالِهَا أَذْقِيلُ تَمَّ

ابوبکر خوارزمی^(۱)

(۱-۱) ظهور و سقوط سامانیان:

قرنهای سوم و چهارم ایران صحنه احساسات میهن پرستانه و ایران دوستی بشمار می رود، و خاندانهای پادشاهی برای تقویت و تضمین، اصل و نسبی را برای خویش ذکر می کردند. سامانیان به همین منظور خود را به «سامان خدا» انتساب می کردند؛ «سامان خدا» مالک روستایی در نواحی سمرقند بنام «سامان» بود.^(۲) او نیز از فرزندان «بهرام گور» مرزبان انوشیروان بوده است.^(۳)

سامان خدا در دوره حکومت اسد بن عبدالله القسری حاکم بنی امیه در خراسان، امارت بلخ را بعهدہ داشت، و از کمکهای وی بهره می گرفت. در همین زمان اسلام آورد، و بخاطر ارادتی که به اسد پیدا کرده بود، نام پسر خویش را اسد برگزید، اسد بن سامان خدا صاحب چهار پسر شد. فرزندان اسد بن سامان در زمان خروج رافع بن لیث به کمک هرثمه بن أعین، امیر سپاه مأمون، شتافتند، و این امر باعث توجه مأمون به ایشان شد، مأمون به امیر خراسان، غسان بن عباد، دستور داد تا فرزندان اسد را بر مناطقی ولایت دهد، وی نوح بن اسد را بر سمرقند، احمد بن اسد را بر فرغانه، یحیی بن اسد را بر چاچ و اشروسنه، و الیاس بن اسد را بر هرات گماشت.^(۴) با به قدرت رسیدن طاهر بن حسین و ایجاد دولت طاهریان در خراسان، طاهر فرزندان اسد را در مقامهایی که داشتند، ابقا کرد. اما دیری نپائید که احمد بر دیگر برادرانش نوح، یحیی و الیاس چیره شد و امیر تمام ماوراءالنهر گردید، چون احمد در سال ۲۵۰ ه درگذشت، از میان هفت پسر او نصر جانشین وی گشت، با سقوط طاهریان در خراسان خلیفه عباسی منشور امارت را برای نصر بن احمد در سال ۲۶۱ ه فرستاد و حکومت سامانیان جنبه رسمی و قانونی بخود

۱- ترجمه تاریخ یمنی ۴۱.

۲- معجم البلدان ۱۷۲/۳ - لغت نامه دهخدا ۱۹۰/۲۷.

۳- اولین بیت شعر فارسی منسوب به اوست.

نام من بهرام گور، کنیتم بوجبله

منم آن شیر گله، منم آن پیل یله

۴- تاریخ بخاری ۱۰۵، تاریخ الکامل ۱۳۳/۱۲ - تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه ۱۱۹/۴.

گرفت. (۱)

بخاطر ظهور یعقوب لیث در خراسان و سیستان و تغییر حکومت خراسان، وضع بخاری آشفته شده بود، بهمین سبب فقیه بزرگ بخاری «ابو عبدالله بن ابوحفص» از نصر در خواست کرد تا حاکمی برای این شهر معین کند، او برادر خویش «اسماعیل» را به این سمت برگزید، اما دیری نپائید که عدم توافق بر سر تعیین مالیات سبب تیرگی روابط این دو برادر شد و در جنگی که بین این دو در گرفت، اسماعیل بر نصر غلبه نمود. و او را از کار برکنار کرد. در سال ۲۷۹ هـ نصر بن احمد سامانی وفات کرد و تمام کارها بدست برادرش اسماعیل افتاد.

نصر بن احمد فردی دیندار، عاقل و شاعر بود و در متون قدیمی از وی قطعات شعر عربی آمده است، از جمله در مدح رافع بن هرثمه چنین سروده است:

أخوكَ فيكَ على خُبرٍ و معرفةٍ انَّ الذليلَ ذليلٌ حيثما كانا
لولا زمان خؤون في تصرفه و دولة ظلمت ما كنت إنساناً (۲)

عصر فرمانروایی اسماعیل را می‌باید به دو دوره کاملاً مجزا از یکدیگر تقسیم نمود که در هر دوره هشت سال حاکمیت وی را در بر می‌گیرد. و مجموعاً شانزده سال می‌شود (۲۹۵-۲۷۹ هـ)

در دوره اول، اسماعیل بعنوان امیر ماوراءالنهر از جانب خلیفه عباسی، حکومت می‌کند، وی در این مدت در صدد نظم بخشیدن به امور داخلی و اداری و قدرت بخشیدن به ساختارها نظامی، سیاسی دولت آل سامان است.

در دوره دوم وی با پیروزی بر صفاریان و علویان طبرستان بر نواحی خراسان و دیگر نواحی عمده شرق خلافت عباسی مسلط می‌گردد و بدینگونه از امارت به سلطنت دست می‌یابد، در این دوره وی بعنوان سردار قدرتمندی که عامل سقوط دولت صفاریان را و اضمحلال علویان می‌شود ظاهر می‌گردد و حکومت ناحیه خراسان، اصلی‌ترین و مهمترین مرکز قدرتمند شرق، را بدست می‌گیرد. (۳)

از عواملی که موجب درخشش و تفوق اسماعیل بر پیشینیان و باعث موفقیت وی در تأسیس این سلسله پراوازه شد، شخصیت والا و بزرگ و دارا بودن صفاتی چون عدالت، سیاست، ذکاوت، کرامت و شجاعت بود که شرح آن در متون قدیمی فراوان یافت می‌شود.

در سیاستنامه چنین آمده «اسماعیل بن احمد را عادت چنان بود که آن روز که سرمای سخت بودی و برف بیشتر آمدی، تنها بر نشستی و به میدان آمدی، تا نماز پیشین بر پشت اسب بودی. گفتی: باشد که متظلمی به درگاه آید و حاجتی دارد و او را نفقاتی و مسکنی نبود، و چون به عذر برف ایستاده‌ایم، بیاید و کار خویش بگذارد و به سلامت برود»^(۱)

نرشخی درباره اسماعیل چنین می‌گوید: «ابو ابراهیم، اسماعیل بن احمد سامانی، اول سلاطین سامانیان اوست. وی به حقیقت پادشاه سزاوار به استحقاق بوده، مردی عاقل، عادل، مشفق، صاحب رأی و تدبیر و پیوسته با خلفا اظهار طاعت کردی و متابعت ایشان واجب و لازم دانستی.»^(۲)

اسماعیل پس از ایجاد، عدالت، عمران، آبادی و رواج امور خیر در مناطق تحت سیطره، به رفاه و آسایش سرعت بخشید و به همین سبب بود که به تدریج بخاری مرکز توجهات عالمان، عدالتخواهان و دانشمندان و شاعران جویای امنیت، گردید و نیز به او لقب «امیر عادل» دادند. یکی از وقایع مهم در دوره حکومت اسماعیل درگیری او با عمر و بن لیث صفاری بود، عمرو که بر بیشتر مناطق شرق خلافت عباسی حکومت می‌کرد طمع بر ماوراءالنهر نمود و با لشکر عظیم به جنگ اسماعیل رفت. اسماعیل با درایت و شجاعتی که از خود نشان داد، موفق به شکست او در سال ۲۸۷ هـ شد، و او را دستگیر نمود و به بغداد، مرکز خلافت فرستاد. و بر مناطقی که او حکمرانی می‌کرد مسلط شد.

از جنگهای دیگر اسماعیل، درگیری او با محمد بن یزید العلوی که در طبرستان بر خلیفه طغیان کرده و حکومت مستقلی را در آنجا بوجود آورده بود، می‌باشد، اسماعیل در این جنگ نیز همچون دیگر میدانها، برتری خویش را به اثبات رساند و حیطة حکومت خویش را گسترش داد، البته اسماعیل در همه جنگهایش از حمایت دهقانان و اعیان و بزرگان، بهره جسته بود.